

\*\*\*\*\*

## کف و زیر کف دریاها در حقوق بین‌المللی

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

تاریخ اکتشاف دریاها نشان میدهد که دریا از دیرباز و زمان بسیار دور بعنوان منبع خیر و برکت و قدرت و شگفتی توجه و علاقه انسانها را بخود جلب کرده و از روزگار کهن دست‌یابی و تسلط بر دریاها مطمح نظر دولتهای مقتدر زمان واقع شده و این چشم‌داشت دولتها در هر زمان متناسب با وسائل و تجهیزات و پیشرفت فنیات و تکنولوژی و وسائل بهره‌برداری از دریا و منابع بیکران آن بوده است و بسیاری از جنگها و مبارزات قرون گذشته بر سر دست‌یابی و تسلط بر دریا و ایجاد سیادت و قدرت دریایی صورت گرفته است.

اغلب قواعد و نظامات حقوق دریایی در گذشته مبتنی بر عرف و ناشی از رویه دولتها و کشورهای دارنده نیروی بحریه بود لکن قواعد مزبور با گذشت زمان و پیشرفت اختراعات و وسایل مدرن استفاده از دریا و انواع کشتی‌ها از جمله کشتی‌های غول‌پیکر و زیر دریایی‌های قوی و دستگاههای علمی دقیق و پیچیده عظیم اکتشافی و احتیاجات زمان قابلیت اجرا و بهره‌وری خود را از دست داد. بعلاوه توسعه مناسبات ملل و رونق بازرگانی بین‌المللی و همچنین افزایش روزافزون جمعیت جهان و بالا رفتن میزان احتیاجات عمومی و کمبود مواد غذایی از يك طرف و رعایت صرفه و اقتصاد از طریق کوتاه کردن راهها از طرف دیگر توجه مصادر امور را برای تحصیل و کسب منابع اقتصادی جدید بیش از پیش معطوف به دریا و ذخایر سرشار آن کرد و دولتها با همه توان و کوشش خود با استفاده از وسایل فنی و تکنولوژی جدید در اعماق دریاها بکاوش و جستجو پرداختند بدین ترتیب اصل آزادی دریاها که در اوایل قرن هفدهم توسط حقوقدان مشهور هلندی Huig von Groot معروف به گروسیوس عنوان شده بود مورد تحدید

واقع شد.

در کنفرانسهای صلح لاهه که در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ برای حل مسالمت-آمیز اختلافات بین‌المللی تشکیل گردید برخی از مسائل حقوق دریایی بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و مقرراتی دربارهٔ جنگهای دریایی و همچنین بیطرفی دریایی بتصویب رسید. سپس در سال ۱۹۰۹ هم در کنفرانس لندن اصول مقبول حقوق بین‌المللی تنظیم گردید.

بر اساس مادهٔ ۲۳ میثاق ملل متحد به ترتیب در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۳ در کنفرانسهای بارسلن و ژنو حقوق بین‌المللی دریایی توسط نمایندگان کشورهای مختلف مورد بحث و فحص قرار گرفته و مقاوله‌نامه‌هایی از قبیل «رژیم بین‌المللی بنادر دریایی» تنظیم و تدوین گردید.

در سپتامبر سال ۱۹۲۷ مجمع ملل بر اساس گزارش کمیته کارشناسانی که مأمور مطالعه و تهیه و تنظیم قواعد و نظامات حقوق بین‌الملل دریایی بودند تصمیم گرفت که بمنظور تدوین قوانین و مقرراتی پیرامون مطالب زیر باید کنفرانسی با حضور نمایندگان ملل تشکیل گردد:

۱- تابعیت

۲- آبهای ساحلی

۳- مسؤولیت دولتها در مورد خساراتی که باشخاص یا اموال خارجی واقع در قلمرو آنها وارد می‌شود.

کنفرانس مورد نظر از ۱۳ مارس تا ۱۲ آوریل سال ۱۹۳۰ در لاهه تشکیل گردید گرچه نمایندگان حاضر در این کنفرانس در مورد آبهای ساحلی نتوانستند بتوافق برسند لکن موفق شدند پیش‌نویس يك کنوانسیون راتحت عنوان «وضعیت حقوقی دریای ساحلی» برای بررسی و رسیدگی در جلسات آینده تهیه و تنظیم کنند.

در این کنفرانس علاوه بر سه موضوع فوق بنا بر گزارش کمیته کارشناسان مجمع ملل اعتقاد بر این داشت که موضوع «بهره‌برداری از منابع دریایی» نیز مطلبی است که برای توافقیهای بین‌المللی مناسب دارد.

لذا برای اولین بار موضوع بهره‌برداری از منابع دریایی در يك مجمع بین‌المللی مطرح و احساس میشود که بهره‌برداری از منابع مذکور باید تحت بررسی قرار گرفته و اصول و قواعدی برای آن پیش‌بینی گردد.

فکر تدوین حقوق بین‌الملل که از دورهٔ جامعه ملل ظهور کرده و تا اندازه‌ای هم بمرحلهٔ عمل رسیده بود در منشور ملل متحد دنبال شده و بند الف مادهٔ سیزده منشور به مجمع عمومی مأموریت داده است که در توسعهٔ تدریجی حقوق بین‌المللی و تدوین آن مطالعه و بررسی و اقدام کند. از این رو مجمع عمومی پیرو این تکلیف در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ کمیسیون حقوق بین‌الملل را برقرار و مأمور نمود تا جنبه‌های مختلف حقوق بین‌المللی را برای انتخاب موضوعاتی که تدوین قانون در آن خصوص لازم و ضروری است مورد بررسی قرار داده و توصیه‌های خود را به مجمع

تسلیم دارد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ هفتم دسامبر ۱۹۵۳ قطعنامه‌ای صادر کرد مبنی بر اینکه چون مسائل مربوط به دریاهاى آزاد - آبهای ساحلی و منطقه نظارت و فلات قاره با یکدیگر همانطور که بستگی جغرافیایی دارند ارتباط حقوقی هم دارند بدین جهت تا زمانیکه مسائل مذکور از طرف کمیسیون حقوق بین‌الملل مطالعه نشده و تصمیمات کمیسیون و خلاصه کار به مجمع نرسیده بحث در این موضوع به بعد موکول گردد.

کنفرانس حقوق بین‌الملل دریایی در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۵۸ در ژنو تشکیل شد و پس از بحث و مذاکرات مفصل پیرامون موضوعات مطروحه با تنظیم چهار مقاله‌نامه زیر بکار خود خاتمه داد:

- ۱- دریاهاى آزاد
- ۲- آبهای ساحلی و منطقه نظارت
- ۳- صید ماهی و حفاظت موجودات زنده دریایی
- ۴- فلات قاره

در سال ۱۹۶۰ کنفرانس بین‌المللی دیگری بمنظور تجدید نظر در قواعد و رسوم قدیمی حقوق دریایی و ایجاد مقرراتی که بتواند مطابق با مقتضیات عملی و فنی زمان مشکلات حقوقی بخصوص آنچه را که مربوط به کف و زیر کف دریا باشد حل نماید تشکیل شد در کنفرانس‌های سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ تا آنجا که ممکن بود مقررات حقوق دریایی با پیشرفتهای جدید هم‌آهنگ شده و در مواردی هم که توافق حاصل نشد اظهار امیدواری گردید که موضوع در کنفرانسهای آینده مورد بررسی قرار گیرد.

تصور موضوع بهره‌برداری از منابع دریایی که در کنفرانس ۱۹۳۰ لاهه مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته بود با پیشرفت تکنولوژی و ترقیات علمی و وسایل دستیابی به اعماق دریاها و اکتشاف و استخراج مناطق تحت‌البحری در اواخر نیمه اول قرن بیستم توجه دولتها را سخت بخود مشغول داشت.

با وجودی که انواع ماهی و موجودات بیحرکت و ساکن کف‌دریاها مانند مروارید و صدف و چانک جزء منابع ثروت دولتهای ساحلی بشمار می‌آید ولی موضوع بهره‌برداری از منابع معدنی زیر کف دریاها تا قبل از قرارداد ۲۶ فوریه سال ۱۹۴۲ دولتین انگلیس و ونزوئلا درباره خلیج «پاریا» در حقوق بین‌الملل سابقه نداشت و با صدور اعلامیه ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۴۵ پرزیدنت ترومن رئیس‌جمهوری امریکا تحت عنوان «فلات قاره» مسأله منابع کف و زیر کف دریاها بعد از آبهای ساحلی اهمیت فوق‌العاده پیدا کرد و چون تا این تاریخ اصل آزادی دریاها همیشه مورد احترام بود ادعای ایالات متحده بر منابع تحت‌البحری ماورای آبهای ساحلی باشکفتی و تردید روبرو شد.

مسأله اکتشاف و بهره‌برداری منابع زیردریایی از سالهای ۱۹۵۰ به

بعد اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و وارد مرحله تازه‌ای شده است و علت آن این بود که در دهه بعد از سال ۱۹۵۰ اهمیت و ارزش منابع مذکور آشکارتر و امکانات بهره‌برداری از آنها هم فراهم شده و علوم و فنون جدید موانع و مشکلات بهره‌برداری از منابع کف دریا و زیرکف دریا را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته است و هرروز عملیات اکتشاف و استخراج منابع مذکور خصوصاً مواد نفتی در دریای ژرف‌تری با موفقیت پیشرفت میکند

در ابتدای امر اشکالات کار تنها مشکل اکتشاف و حفاری و بهره‌برداری در زیر آبهای عمیق نبود بلکه مسایل و مشکلات دیگری از جمله وضع تملک و بهره‌برداری انحصاری از منابع طبیعی کف دریا و زیرکف دریا و انطباق مقررات موضوعه دول با اصول حقوق بین‌الملل عمومی نیز طرف توجه بود زیرا اغلب منابع مورد بحث بنابر تعریف در خارج از حدود آبهای ساحلی دول قرار دارند و این بحث مطرح گردید که حقوق دولت ساحلی بر فلات قاره بر چه اصول حقوقی استوار است و کیفیت و حدود اعمال این حقوق چیست؟ و بالاخره چگونه میتوان حقوق انحصاری دولت را بر این منابع اعلام داشت؟

در روابط بین‌المللی دو طریقه برای اعلام و تثبیت حقوق انحصاری دولتها بر منابع موجود در فلات قاره وجود دارد که یکی از آنها تنظیم قرارداد بین‌المللی است و دیگری صدور اعلامیه یا وضع قوانین ملی است که در بالا بهر دو روش اشاره شد و متعاقب اقدام کشورهای انگلیس و ونزوئلا در سال ۱۹۴۲ و اعلامیه مورخ سپتامبر ۱۹۴۵ ترومن بسیاری از دول با صدور اعلامیه و یا با وضع قوانین حقوق کشور خویش را بر منابع موجود در فلات قاره اعلام داشته که از آنجمله کشورهای امریکای لاتین و کشورهای حوزه خلیج فارس را میتوان بعنوان مثال نام برد.

اعلام و تثبیت حقوق کشور ایران بر فلات قاره بموجب قانون مورخ خرداد سال ۱۳۳۴ بتصویب مجلسین صورت گرفته است.

اعلام حقوق دول بر منابع طبیعی فلات قاره منحصر بکشورهای امریکایی و خلیج فارس نیست بلکه در آستانه کنفرانس اول حقوق دریایی که از طرف سازمان ملل متحد بمنظور تدوین مقررات حقوق بین‌الملل دریایی در سال ۱۹۵۸ در ژنو منعقد شد اکثریت قریب باتفاق دول حقوق کشور خویش را در فلات قاره اعلام داشته و عملاً شناخته شده بود و حتی برخی از دول عملیات کاوشی بمنظور بهره‌برداری از این منابع را شروع کرده بودند.

در زمانی که کنوانسیون ژنو تنظیم می‌یافت پیش‌بینی نمیشد که در آینده بالنسبه نزدیکی امکان حفاری در اعماق بیشتر از دویست متر (صد فتم) نیز مطرح خواهد گردید لکن چندان طول نکشید که پیشرفت‌های فنی و علمی توجه کشورهای ذی‌نفع و شرکتهای ثروتمند را به سوی منابع واقع در اعماق اوقیانوسها جلب کرد و ضرورت تعیین رژیم حقوقی این مناطق را بیش از پیش مطرح ساخت بعبارت

دیگر این پرسش بمیان آمد که تکلیف منابع دریایی واقع در ماورای مرزهای فلات قاره چیست؟

جوابی که براساس موازین کلاسیک حقوق به این سؤال میتوان داد این است که ماورای فلات قاره دریای آزاد تلقی میشود و دریای آزاد در انحصار و تملك شخص یا دولت معینی نیست. منافع واقع در دریای آزاد در اختیار عموم افراد بشر است و هرکس که امکان و توانایی دارد میتواند به استفاده و بهره برداری از آن مبادرت ورزد. سطح اوقیانوسها از روزگاران دیرین به عنوان جاده برای رفت و آمد و ارتباط مورد استفاده بشر بوده و منابع غذایی آن نیز حتی المقدور بهمین ترتیب در اختیار عموم قرار داشته است.

لیکن پاسخ مزبور از نظر شرکتهای سرمایه گذار کافی و رضایت بخش نبود زیرا هزینه اجرای عملیات اکتشاف و بهره برداری در فلات قاره چندین برابر هزینه مربوطه در خشکی است و اجرای عملیات مذکور در اعماق اوقیانوسها و در ورای حد فلات قاره مستلزم صرف هزینه هایی بمراتب بیشتر و سنگین تر خواهد بود و تشکیلاتی که تحمل این مخارج را بر خود هموار میسازد نیازمند يك وضع ثابت و مستمری است که ادامه عملیات و حصول منافع مورد نظر را برای او تضمین تواند کرد اگر دریا را ملك مشترك همه افراد بشر تلقی کنیم استفاده از منافع آن برای همه مباح خواهد بود و مؤسسات سرمایه گذار علیرغم بذل مساعی و صرف هزینه های گزاف امتیازی بردیگران نخواهند داشت لذا شرکتهای سرمایه گذار ترجیح میدهند که با پرداخت حق الامتیاز به يك دولت و یا يك مرجع بین المللی موقعیت خود را استوار و مستحکم سازند و از خطر مزاحمت مدعیان و رقیبان احتمالی در امان باشند.

فعالیت های مربوط به اکتشاف و بهره برداری از عمق دریاها و کف اوقیانوسها چنان فشرده و سریع پیشرفت کرده است که چند سال قبل حتی تصور آن نمیشد. فکر استفاده بین المللی از منابع کف و زیر کف دریاها را اولین بار دکتر آروید پارودو نماینده مالت در اول نوامبر سال ۱۹۶۷ در سازمان ملل متحد مطرح ساخت و پیشنهاد وی متضمن چهار اصل زیر میباشد:

- ۱- اوقیانوسهای خارج از صلاحیت ملی میراث مشترك بشری است.
  - ۲- اوقیانوسهای خارج از صلاحیت ملل مورد ادعای حاکمیت ملی نیست.
  - ۳- اوقیانوسها صرفاً باید برای مقاصد صلحجویانه مورد استفاده قرار گیرد.
  - ۴- منابع و ذخایر اوقیانوس خارج از صلاحیت ملی باید در نهایت همکاری بین المللی اکتشاف و بهره برداری شده و به نفع بشریت مورد استفاده قرار گیرد.
- دکتر پارودو در سال ۱۹۷۰ در توضیح اصل چهارم نظر فوق اظهار داشت که باید يك نظام حقوقی با اختیارات تام ایجاد شود و عواید حاصله از استخراج منابع دریاها در منطقه بین المللی بنحو منصفانه بین همه کشورها و در درجه اول کشورهای در حال توسعه تقسیم شود.

مسایل مربوط به حقوق دریایی در کنفرانسهای منطقه‌ای از جمله مونته ویدو و لیما با حضور نمایندگان کشورهای آمریکای لاتین نیز مطرح مذاکره قرار گرفته و نتیجه مباحثات آنان بصورت يك اعلامیه و شش قطعنامه تصویب شده است. اعلامیه مذکور که اعلامیه کشورهای آمریکای لاتین درباره حقوق دریا خوانده شده است شامل يك مقدمه و ۵ ماده است که در آن اصول زیربنویان اصول مشترك حقوق دریا اعلام شده است.

۱- حق مسلم کشور ساحلی در کاوش و حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی موجود در فلات قاره و زیرکف آن بمنظور تأمین حداکثر توسعه اقتصادی کشور ساحلی و بالابردن سطح زندگی اهالی آن.

۲- حق دولت ساحلی در تعیین حدود حاکمیت یا صلاحیت خود در دریا طبق ملاک و ضابطه‌های معقول و با توجه به خصوصیات جغرافیایی - ژئولوژیکی و احتیاج کشور ساحلی به استفاده معقول از منابع خود.

۳- حق دولت ساحلی در تدوین و اجرای مقررات لازم در مناطق تحت حاکمیت یا صلاحیت دریایی خود بمنظور تأمین مقاصد فوق بدون آنکه لطمه‌ای به آزادی عبور و مرور کشتی‌ها در مناطق مذکور و پرواز هواپیماهای کشورهای دیگر از فراز آن وارد آید.

۴- حق دولت ساحلی برای جلوگیری از آلوده شدن دریا و جلوگیری از آثار مضر و مخربی که ممکن است استفاده و کاوش یا بهره‌برداری از محیط دریای متصل بسواحل آنکشور بوجود آورد.

۵- حق دولت ساحلی نسبت بصدور اجازه و مراقبت و شرکت در کلیه تحقیقات علمی که ممکن است در داخل مناطق دریایی تحت حاکمیت یا صلاحیت دولت ساحلی بعمل آید و حق استفاده از اطلاعات و نتایج حاصله از تحقیقات فوق. در اعلامیه فوق کشورهای آمریکای لاتین ذکرى از بستر دریاها و کف اوقیانوسهای خارج از صلاحیت ملی بمیان نیامده لکن موضوع مذکور در قطعنامه‌ای مطرح شده و در آن ضمن تأیید اینکه بستر دریا و کف اقیانوس و منابع موجود در کف و زیر دریا و اقیانوس خارج از مناطق تحت صلاحیت دولت ساحلی میراث مشترك جامعه بشری میباشد و کاوش و حفاظت و بهره‌برداری از این منابع باید بنفع جامعه بشری و بدون توجه بموقعیت کشورهای ساحلی یا غیر ساحلی صورت گیرد و با توجه به احتیاجات خاص کشورهای درحال توسعه لازم است که عملیات کاوش و حفاظت و بهره‌برداری از منابع مزبور تحت يك رژیم بین‌المللی انجام گیرد بدولتهای شرکت‌کننده توصیه‌هایی نموده که اهم آن بقرار زیر میباشد.

۱- کمیته سازمان ملل متحد درباره بستر دریا بکار خود در تنظیم اعلامیه‌ای حاوی اصول کلی در خصوص بستر دریا و کف اوقیانوسها و منابع موجود در کف و زیر کف دریای خارج از منطقه تحت صلاحیت دولت ساحلی ادامه دهد.

۲- برقراری رژیم موقت برای منطقه بین‌المللی خارج از حدود صلاحیت



دولت ساحلی قبل از تکمیل مراحل اولیه اقدامی ناسنجیده و عجولانه خواهد بود.  
۳- کشورهای آمریکای لاتین در مورد ایجاد يك دستگاه بين المللی برای کاوش و حفاظت و بهره‌برداری از بستر دریا و کف اقیانوس و منابع موجود در کف دریا خارج از منطقه تحت صلاحیت دولت ساحلی و احتمال تقسیم آن به سیستم‌های منطقه‌ای رویه مشترکی اتخاذ خواهند کرد.

نیکسون رئیس جمهوری آمریکا در طی گزارشی که در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۷۰ به‌کنگره آمریکا تقدیم داشت جمله پرمعنایی را ذکر کرده بود: هرچه آدمیزاد در راه استفاده از اقیانوسها پیش میرود حقوق بین‌الملل نیز باید به‌همان نسبت پیش رود و با آن جریان همگامی نماید.

در تاریخ ۲۳ مه سال ۱۹۷۰ نیکسون طی اعلامیه‌ای سیاست جدید آمریکا را درباره استفاده از منابع معدنی واقع در اقیانوسها تشریح و در مقدمه آن میگوید در شرایطی که بهره‌برداری از اقیانوسها زمینه‌ای برای هرج و مرج و دعاوی و اختلافات باشد همه کشورها متضرر خواهند شد. حقوق دریایی در وضع حاضر نارسا است و با احتیاجات و مقتضیات فنی جدید وفق نمیدهد و به‌همین جهت نیازمند تجدید نظر و تکمیل میباشد این کار با تصمیمات یکطرفی و انفرادی که از طرف دولتها اتخاذ گردد درست نمیشود بلکه وحدت نظر و اشتراك مساعی کلیه دول را لازم دارد.

راه‌حلی که نیکسون پیشنهاد میکند این است که دولتها به‌موجب معاهده‌ای از ادعای خود نسبت به‌ذخایر معدنی واقع در خارج آبهای ساحلی و فلات قاره صرف‌نظر نمایند و نهایت حد فلات قاره نیز با ۲۰۰ متر عمق مشخص گردد.

در صورت قبول این پیشنهاد ضابطه دوم که بعنوان قابلیت بهره‌برداری در قرارداد ژنو ذکر شده بود از میان خواهد رفت و کلیه منابع واقع در ورای آبهای ساحلی و باریکه‌ای به‌عنوان فلات قاره که از ۲۰۰ متر عمق تجاوز نخواهد کرد ملك موروثی عموم تلقی خواهد شد.

سپس نیکسون پیشنهاد میکند که بهره‌برداری از منابع واقع در خارج از حد مذکور تابع يك رژیم بین‌المللی باشد. فاصله حد خارجی فلات قاره و حاشیه قاره که تا اعماق تقریبی ۲۵۰۰ متری ادامه دارد بعنوان منطقه خاصی شناخته شود که دولت ساحلی بهره‌برداری در آن منطقه را بعنوان امین از طرف رژیم بین‌المللی تصدی خواهد کرد و از درآمد حاصله سهم مهمی در اختیار رژیم بین‌المللی گذارده خواهد شد؛ و بهره‌برداری در خارج از حد حاشیه قاره‌ای کلاً در اختیار رژیم بین‌المللی خواهد بود و رژیم مزبور عواید حاصله از هر دو قسمت را بصرف‌کمکهای اقتصادی به‌کشورهای کم‌رشد خواهد رسانید.

در دهه هفتاد خصوصاً سالهای آخر آن از طرف سازمان ملل متحد پیرو اقدامات قبلی مربوط به تنظیم و تدوین حقوق بین‌المللی کمیته‌های مخصوصی مرکب از کارشناسان بصیر جهت بررسی و مطالعه و تنظیم پیش‌نویس مقاوله‌نامه‌های

مربوط به استفاده صلحجویانه از منابع بستر دریا و کف و زیرکف اقیانوسهای واقع در خارج از حد صلاحیت ملی صرفاً بمنظور تأمین مصالح و منافع بشری تشکیل و مأمور گردید و کمیته‌های مزبور موضوع را از جهات مختلف حقوقی و اقتصادی و جغرافیایی و بیولوژیکی و غیره مورد مطالعه و بررسی قرار داده و نظرات خود را طی گزارشات و طرحهای متعدد و گوناگون تسلیم و در کنفرانسها یا مجامع بین‌المللی مطرح کرده و گزارشات و طرحهای مزبور مورد بحث و مذاکره نمایندگان کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است و هر یک از نمایندگان کشورها بنا بر مصلحت کشور متبوع یا منطقه مربوطه پیشنهادات اصلاحی تقدیم داشته‌اند (که به تفصیل بعداً مورد بحث و مذاکره قرار خواهد گرفت).

برابر قطعنامه شماره ۲۷۵۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۰ تعداد ۴۴ عضو به‌عضای کمیته سابق استفاده صلحجویانه از کف و زیرکف دریاها افزوده شده و مواد جدیدی هم بردستور کار آن اضافه گردید که از آن جمله تهیه مقدمات کنفرانس حقوق دریایی در سال ۱۹۷۳ میباشد. کمیته مذکور برای نیل بمقصود و تقسیم کار به سه کمیته فرعی تقسیم گردید و هر یک بررسی و مطالعه قسمتی از موضوع مورد بحث را بعهده گرفته‌اند.

